

انتشار هر کتاب همانند یک قصه تازه است و هر کتاب قصه خودش را دارد. این تشبیه در انتشار کتابهای هنری بیشتر از سایر کتابها مصداق دارد. وقتی درباره نشر سخن می‌گوییم می‌بایست به روشها، مواد و شیوه‌های عرضه آن کتاب جداگانه و به شیوه تازه‌ای بیاندهشیم و شکل مطلوب هر کتاب تازه در زمینه هنر رسیدن به یک نقطه خاص برای نشر آن کتاب است، کار بسیار دشواری که در محاصره محدودیت‌های تولید وطنی و به ویژه مقوله صحافی گاه ناممکن می‌شود.

به همین دلیل در مواجهه با آثار غیر ایرانی، حسرت می‌خوریم و همواره در برابر این سوال که چرا ما نمی‌توانیم چنین آثاری را تولید کنیم قرار داریم؟

خاستگاه این حسرت مدام در اقتصاد ناسالم و بی‌رونق در حوزه تولید کتاب است منظور از تولید کتاب هم تمامی پروسه‌های مربوط

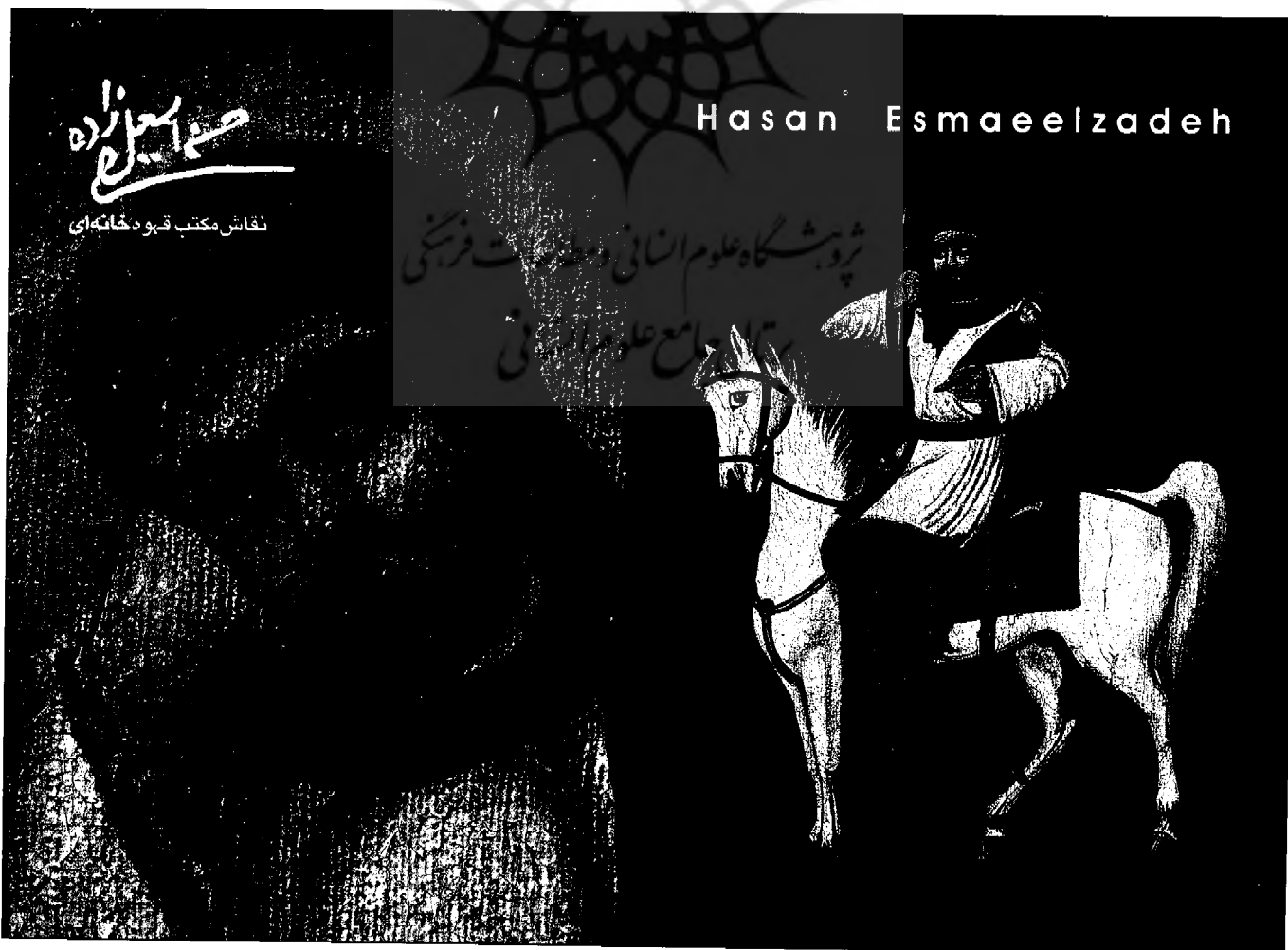
هر کتاب قصه‌ای دارد

کتابی با جلد پارچه‌ای و چاپ به شیوه افست

■ محمودرضا بهمن پور

Each book has a story

Mahmoodreza Bahman poor



به آن مانند چاپ، نشر و صحافی است به همین دلیل ساده می‌توان به جامعه نشر ایرانی به ویژه ناشران هنری حق داد که کمتر به ایده‌های خلاقانه فکر کنند و در نهایت از کارهای شدنی و مطلوب چشم‌پوشی نمایند. نشر نظر هم به عنوان ناشری که عمدتاً در زمینه نشر آثار هنری فعالیت می‌کند گرفتار وضعیت ناسالم حوزه اقتصاد و نشر است و برای هر فکر و ایده‌ای با دهها محدودیت مواجه است. برخی از این محدودیت‌ها صرفاً ریشه در اقتصاد تولید دارد به نحوی که اثر هنری را چنان گران می‌کند که خرید آن برای

مصرف‌کننده سخت می‌شود و در نهایت پروسه اقتصادی کار ناشر را با مشکل مواجه می‌کند. اما همیشه گرفتاری در مسائل اقتصادی نیست. گاه اراده جمعی برای رسیدن به یک نتیجه حاصل نمی‌شود.

کتاب «حسن اسمعیل‌زاده، نقاش مکتب قهوه‌خانه» اولین کتاب از یک هنرمند ایرانی در زمینه نقاشی قهوه‌خانه‌ای است. اهمیت این کتاب برای خاستگاه این گونه نقاشی‌ها در تاریخ هنر ما حائز توجه است. تلاش ناشر و طراح بر این قرار گرفت که میزان توجه برانگیزی مخاطب به کتاب افزایش یابد.

اندیشیدیم آیا امکان عرضه جلد کتاب بر روی جنسی به غیر از کاغذ وجود دارد؟ در ابتدا به چاپ سیلک بر روی پارچه اندیشیدیم. اما امکان چاپ ترامه و به دست آوردن ظرافت‌های تصویری در سیلک ممکن نبود. اما امکان چاپ دیجیتال به شیوه جوهر افشان وجود داشت چنین روشی که قبلاً بر روی جلد کتاب «روزی روزگاری ایران» پاسخ مناسبی داده بود نیازمند زمانی طولانی بود. به همین دلیل منصرف شدیم و امکان چاپ افست بر روی پارچه را آغاز کردیم. اصولاً نقاشی بر روی بوم، بافت و جنسیتی را القاء می‌کند که اگر امکان القاء آن به مخاطب کتاب فراهم می‌شد، برای طراح و ناشر مطلوب‌تر بود. پارچه کتاب را هم از نوع بوم که بافت دار بود انتخاب کردیم. نمی‌دانستیم کار چاپ بر روی پارچه را

از ابتدا انجام دهیم یا پس از جلد سازی اولیه. موضوع را با آقای پورکلباسی مدیر صحافی معین در میان گذاشتیم او با معرفی آقای راستین فروتن مدیر چاپ راستین پیشنهاد کرد چاپ افست بر روی پارچه را تجربه کنیم. راستین فروتن جوانی است که نوجوانانه در صنعت چاپ فعالیت می‌کند. از کشف راههای تازه نمی‌هراسد. گفتگوها آغاز شد و فایل مربوط به طرح روی جلد کتاب برای نمونه‌گیری در اختیار او گذاشته شد. پارچه متقال خریداری شد. فروتن پارچه را بر روی مقوای مخصوصی که به تأیید صحاف رسیده بود لمینت کرد. در واقع از این به بعد شیت‌هایی آماده شد که سطح روئی آن پارچه و سطح زیرین نوعی کاغذ بود. برای تثبیت رنگ بر روی پارچه مراحل آماده سازی انجام شد و سپس با دستگاه چاپ چهار رنگ که فشارهای سیلندرهای چاپ با سطح ضخیم این پارچه‌ها هماهنگ شده بود، کار چاپ ترامه انجام می‌شد. ماحصل کار مطلوب بود اما رنگها جلای خود را از دست داده و رنگها بور شده بودند. تصمیم گرفتیم بر روی سطح تصویر U.V براق زده شود اما امکان چنین کاری نبود چون باید به صورت دستی این کار انجام می‌شد برای همین به سطحی از ورنی براق بسنده کردیم.

پس از این مرحله، کار صحافی کتاب به روال جاری کار در صحافی پیش رفت. بدین ترتیب چاپ افست بر روی پارچه برای نخستین بار در ایران انجام شد. گرچه فروتن این اتفاق را نخستین بار در صنعت چاپ جهان می‌داند، اما فرقی نمی‌کند، این اراده به بار نشست‌ای بود که ما آن را متحقق کردیم. گرچه هزینه‌های تولید جلد و صحافی این کتاب در مقایسه با صحافی‌های جلد سازی گالینگوری بیش از ۳۰۰٪ افزایش داشت. بی‌شک تداوم این نوع از تولیدات مکتوب به توان اقتصادی خریداران بستگی دارد و هر چه این توان بیشتر باشد قصه‌ها بیشتر می‌شود. ■

